**دیدنیهای پاریس**

**یغمائی، حبیب**

1-مقبرهء ناپلئون در پاریس( INVALIDES ) انوالید مقبرهء با شکوه ناپلئون بنا پارت در وسط پاریس واقع شده که همه روز و در همه ساعات بازست و مردم جهان از دور و نزدیک گروه گروه بدانجا میروند و تماشا و زیارت منکنند. این ساختمان مرکب از دو قسمت است،ساختمان اولی که بسیار مجلل و با شکوه است و گنبدی‏ آراسته دارد مزار ناپلئون و پسر و برادر اوست.و قسمت دوم که در طبقهء فوقانی او طاق‏های متعدد دارد موزهء ناپلئون است که آثار او را فراهم آورده‏اند و نگاهبانی میکنند.برای ورود به هریک‏ از این دو ساختمان باید بلیطی به قیمت تقریبی دو تومان خریداری کرد.

در مدخل مقبره،یعنی ساختمان مجلل نخستین اوطاق او دست چپ مدفن ناپلئون دوم است‏ که در بیست و یک سالگی مرد و به سلطنت نرسید(1832-1811)و اوطاق او دست چپ مدفن است‏ ژزف بنا پارت برادر بزرگتر ناپلئون است(1844-1868).

در قسمت بالای این تالار وسیع و باعظمت که چند متر ارتفاعش از سطح بیش است تصاویر مذهبی است که گوئی خود کلیسائی است و در مقابل این کلیسا زیرزمینی است سر گشاده که قبر ناپلئون را از بالا نیز میتوان دید.فرود شدن به زیرزمین آزادست.بدیوارهای اطراف زیرزمین‏ مجسمه‏هائی برآورده‏اند بصورت فریشتگان که با احترام تمام ایستاده‏اند و هریک چیزی بدست‏ گرفته‏اند از قبیل تاج سلطنتی و دستهء گل و امثال اینها.نقوش دیگری هم از جنگ‏های ناپلئون‏ بطور برجسته نمایانده شده که راهنمای مقبره دربارهء هریک توضیح می‏دهد.ضریح ناپلئون از چوبی است سیاه رنگ و شفاف اما مسطح نیست و در دو طرف خمیدگی‏هائی دارد که در نهایت هنرمندی‏ و ظرافت ساخته شده است.

ستون‏های سنگی ضخیم،و پیکره‏ها و تصاویر سقف و دیوارها،و ارتفاع گنبد از سطح، و درهای مزین و بزرگ و هر چیز که مشاهده میشود چندان بیننده را مشغول و مشعوف می‏دارد که متوجه گذشت زمان نمیشود.

در قسمت فوقانی ساختمان دوم که موزهء ناپلئون است،مناظری دیگر جلب توجه میکند. تصاویری زنده از ناپلئون و سرداران سپاه او بدیوارها نقش و نصب شده است.موی امپراطور در قوطی مخصوص نگاهداری شده،غرفهء کوچکی اوطاق خاص و محقر ناپلئون را در جزیرهء سنت هلن می‏نمایاند.از اثاثهء این اوطاق تخت‏خوابی است بسیار محقر و ساده یعنی همان تختخوابی‏ که امپراتور بر آن میخوابیده و مرگ را دریافته است.دیگر پالتو او و ساعت او،و دوربین او و طبل او!..

مجسمهء دو نفر از نگاهبانان که در دو طرف غرفه به پاس‏داری ایستاده‏اند و خیره خیره می‏نگرند عبرت انگیزست. در قفسه‏های دیگر جامهء ژوزفین،احکام‏ امپراطور،مهر رسمی که بفرمان‏ها زده‏ میشده خطوط دستی ناپلئون و نقاشی‏های‏ گوناگون از میدان‏های جنگ و تصاویر سران سپاه و شرح جان فشانی‏های هریک‏ به تفضیل توضیح شده که مطالعه و مشاهدهء همهء آنها روزها و ماهها وقت می‏خواهد. نه تنها در اینجا،بلکه در کاخ ورسای نیز تصاویری بسیار بزرگ که سطح غالب آنها از یکصد متر در می‏گذرد از میدانهای رزم‏ و بزم بنا پارت با کمال هنرمندی نقاشی‏ کرده‏اند که همه زنده و جان‏دار و تجسم‏ بخش است.مخصوصا تابلو تاجگذاری‏ ژوزفین.

فرانسوی ها به ناپلئون بنا پارت عشق‏ و علاقه خاص دارند.که شاید هیچ ملتی‏ بهیچیک از پادشاهان خود چنین ارادتی‏ ننموده است.حق هم دارند که موجب‏ افتخار کشور،شهریاری چون اوست.

امروزه بزرگ خاندان بنا پارت«لوی ناپلئون»است که پنجاه سال و چهار فرزند دارد. او نبیرهء رزم Jerome برادر ناپلئون است و ژرم شاید پانزده سال از ناپلئون کوچکتر بوده است.

2-معبد پانتئون

از بناهای با شکوه و تماشائی پاریس معبد پانتئون Le Panteon است.پانتئون دو طبقه‏ است،طبقهء اول چند متر از سطح خیابان بالاترست و کلیسائی است که چون دیگر معابد عظیم‏ دارای ستون‏های سنگی بزرگ برافراخته و گنبد مرتفع و نقاشی‏ها و تصاویر برجستهء زیباست. آنچه این معبد را از دیگر معابد ممتاز می‏دارد طبقهء زیرین آن است که چندین پله از سطح‏ خیابان فروتر است.طبقهء زیرین دارای دالان‏های کم عرض و پر پیچ و خم و درهم است که اگر راهنما نباشد قطعا شخص گم میشود مخصوصا اگر غریب باشد.

درین طبقه افراد نامی و خدمتگذاران کشور فرانسه از لشکری و فرهنگی و شاعر و نویسنده‏ و مخترع و عالم دفن شده‏اند و قبر هریک یا چند نفر از آنان در اوطاقی جداگانه است.

دفن شدگان درین مکان مقدس همه از بزرگان مسلم فرانسه‏اند که در جهان علم و ادب و هنر نامورند و این افتخار نصیب افرادی معدود و برگزیده است.

از جمله شعرا و نویسندگان بزرگ‏ که از قبر آنان درین سردابه نام و نشان‏ است ژان ژاک روسو و ولتر و ویکتور هوگو هستند که هریک را سردابه‏ای خاص‏ است.مجسمهء ولتر نیز در کنار قبر اوست.

بزرگان،شعرا و نویسندگان فرانسه‏ را مردم این کشور سخت می‏ستایند و احترام بسیار میگذارند،و هم اکنون‏ اسکناس پنج فرانکی فرانسه بتصویر ویکتور هوگو مزین است.

معتقدات مردم اینجا غیر از معتقدات‏ ماست که مثلاً خانهء ملک الشعراء بهار را خانواده‏اش مجبور شوند قطعه قطعه کنند و بفروشند،و شاعر را بگناه اینکه‏ شاعر است گرسنگی بدهند!

3-کاخ ورسای

کاخ ورسای یعنی قصر سلاطین فرانسه‏ در 12 کیلو متری پاریس است.بحقیقت‏ دیدنی و تماشائی است.

اصولا استیل ساختمانهای تاریخی‏ فرانسه از هر قبیل چه مذهبی،و چه سلطنتی‏ چه ملی،سخت شکوهمند است.ستون‏ها قوی و ضخیم،ارتفاع درها ده متر یا بیشتر،ارتفاع سقف‏ها بسیار زیاد،بطوری‏ که بیننده رامبهوت و حیران میگردد.

در کاخ ورسای-چون دیگر ابنیهء تاریخی-نه تنها دیوارها منقوش و مزین بتصاویر گوناگون‏ است بلکه سقف‏های اوطاقها را نیز نقاشی کرده‏اند و نقاشی سقف هر اطاق سالها مدت گرفته است.

کاخ ورسای دو طبقه است،اما دو طبقه‏ای که بارتفاع ساختمان‏های دوازده طبقه‏ای طهران‏ است.میدان‏ها و دریاچه‏ها و باغ‏های اطراف کاخ چندان زیبا و باصفا و خوش منظره است که وصف‏ نمی‏توان کرد.ساختمان عالی قاپو در اصفهان صرف نظر از گچ کاریهایش که در دنیا نظیر ندارد در برابر عظمت ورسای حقیر مینماید.

نکتهء دیگر هم این است که فرانسویها ورسای را خوب نگاهبانی میکنند و همواره تمیز و تازه نگاه میدارند گوئی که عمارتی تازه‏ساز و مسکون است،تصاویر در و دیوار چندان جلا و روشنی و زیبائی دارد که پنداری تازه از زیر دست نقاش بیرون آمده،برخلاف نقوش عالی‏قاپو و چهلستون که خراب و فرسوده و وصله شده و بی‏رمق است.

باری،او طاق‏های زیبا و وسیع و متعدد کاخ ورسای با همان لوازم و اثاثه و فرش و گلدان و قفسه و میز و صندلی است که در زمان ملکه ماری آنتوانت و لوی شانزدهم بوده است.پرده‏های گوبلن که بر دیوارهای اوطاقها آویخته شده در دنیا بی‏نظیرست و قیمتی نمیتوان بر آنها نهاد-در تالارهای بسیار وسیع و طولانی تصاویری از آغاز پیدایش کشور فرانسه تا عهد ناپلئون بنا پارت بر دیوارها نقش کرده‏اند که تاریخ مصوری است از فرانسه،چنانکه اگر محصل روزی چند درین‏ تالار مطالعه کند از حفظ کردن مطالب تاریخی بی‏نیاز خواهد بود.

دربارهء کاخ ورسای کتاب‏های مصور در دسترس است،هرکه علاقه دارد باید آنها را مطالعه‏ کند،با این همه دیدن از نزدیک کیفیتی دارد و گرچه مشاهده‏ای چند ساعته باشد.

در انقلاب فرانسه،مردم خراب کردن این عمارت عظیم را که محل کامرانی ستمکاران بوده‏ قصد کرده‏اند ولی هنرپروران قوم مانع شده‏اند،هنوز هم آزادی‏خواهانی هستند که می‏گویند کاش خراب کرده بودند!

مجسمهء لوی چهاردهم که چند برابر پیکر اوست و بر اسب سوارست در میدان وسیع مدخل‏ کاخ برپاست.

4-موزهء گرون‏ Musee Grevin

عمارتی است بشمارهء 10 در خیابان مونمارتر Monmartre .در این موزه مجسمهء بسیاری از بزرگان جهان،از گذشتگان و معاصرین با لباس و کیفیت حال خاص خودشان از موم‏ ساخته شده بطوری که تشخیص مجسمه‏هائی که بیرون از جایگاه آنهاست دشوار می‏نماید.شما برای رفع خستگی در نیمکتی که گذارده‏اند می‏نشینید در کنار شما شخصی روزنامه میخواند یا در دم کرباس پاسبانی ایستاده است وقتی درست توجه فرمائید این هر دو مجسمهء مومی است که با انسان‏ زنده هیچ تفاوتی ندارد.عکس قضیه هم صحیح است اگر شخص چند لحظه بی‏حرکت بماند.

در غرفه‏ای ژنرال دوگل با رئیس جمهور آلمان گفتگو میکند،و رئیس جمهور امریکا با عده‏ای از خواص خود در پهلویش ایستاده‏اند،و خروشچف و مائو تسو چونک نامه‏ای را بدست‏ گرفته‏اند و مطالعه میکنند.

در غرفهء دیگر ملکهء الیزابت بصندلی نشسته و شوهرش و درباریان بخدمت ایستاده‏اند. اعلیحضرت امپراطور حبشه و ملک حسن در محل دیگر محرمانه حرف می‏زنند.

در صحنهء دیگر انقلابیون فرانسه رامیبینید که لوی شانزدهم و خانواده‏اش را بزندان‏ افکنده‏اند و افراد خاندان سلطنتی را محاکمه میکنند.وداع ماری آنتوانت با فرزندانش که‏ اشک از چشم همه جاری است سخت غم‏انگیزست.حالت محکومی دیگر که حکم اعدامش را ابلاغ میکنند بیان ناکردنی است.

صحنه‏ای دیگر که دیدنش موی بر تن بیننده راست میکند قتل یکی از درباریان به شمشیر هانری سوم است که شخص شاه قتل او را مباشرت میکند. در غرفهء دیگر ژان ژاک روسو که جوانی آراسته است مقالهء خود را دربارهء موزیک بمؤلف‏ انیسکلوپدی می‏دهد و بانتظار پذیرفته شدن آن است.از شعرا و نویسندگان نه تنها ژان ژاک روسو بلکه ویکتور هوگو،الکساندر دوما،راسین،مولیر،بوالو،لافونتن را هم در اینجا ملاقات میکنید.

در غرفهء دیگر پاسکال مشغول آزمایشهای فیزیکی است و در جای دیگر میرابو خطیب‏ انقلاب نطق میکند و مردم را به هیجان می‏آورد.

لوی پانزدهم و مارگیز پمپادور در صحنه‏ای که موزار پیانو مینوازد چندان مستغرق‏اند که‏ هیچ بکانی که آنان را مینگرند توجه نمیکنند!

در صحنه‏ای دیگر لسپس حفار ترعهء سوئز و اسمعیل پاشا و خدیو مصر و امپراطریس اوژنی و امپراطیس الیزابت(که هر دو زیبا و خوشگل‏اند)و فرانسوا ژزف امپراطور اطریش،نخستین‏ بار عبور کشتیها را از ترئهء سوئز مینگرند.منظرهء دریا و کشتیها تماشائی است.

در مغازه‏های چند زندگانی حضرت عیسی از بدو تولد(در محلی طویله مانند)تا مصلوب‏ شدن او صحنه به صحنه نمایانده شده که مسیحیان با عقیده با چشم گریان مینگرند.

درین موزه نیز از زندگانی ناپلئون بناپارت صحنه‏هائی هیجان‏انگیزست.از دورهء جوانی او و معاشقه‏اش با ژوزفین،و پذیرائی‏اش از صاحبمنصبانش در مجلس جشن و چشم‏چرانی‏ها و اشارات‏ چهره‏ها در می‏توان یافت که بیان کردن و توضیح دادن دشوار است.

مرگ او بر تختخواب محقر او در حالی که یکی از دو پاسبان خانه‏اش بشدت گریه میکند سخت غم‏انگیزست و از این غم‏انگیزتر صحنه‏ای است که در سنت هلن بر تخته‏سنگی مبهوت‏ نشسته و فتوحات و لشکرکشیهای خود را در امواج دریا بخیال مینگرد.

سنت لوی پادشاه فرانسه را که به رزم صلاح الدین ایوبی می‏رود و با مادرش وداع میکند نباید نام نبرد،همچنین ژاندارک و رزم‏ها و گرفتاری او را،و پاپ را،و پادشاه مناکو و خانمش را.

این موزه بیش از پنجاه غرفه و اوطاق بزرگ و کوچک دارد که شاید در حدود هزار نفر را بتوان دید.اوطاقها را شماره است و کتابچه‏ای در راهنمائی است که بترتیب شماره‏های اوطاق‏ افراد را میتوان شناخت و من در این مختصر از کسانی نام بردم که کم و بیش آنها را می‏شناسیم.